

فهرست

ستایش: لطف خدا ۷

فصل اول: ادبیات تعلیمی

درس اول: نیکی ۱۰

درس دوم: قاضی بُست ۱۸

شعرخوانی: زاغ و کبک ۲۵

فصل دوم: ادبیات سفر و زندگی

درس سوم: در کوی عاشقان ۲۸

درس پنجم: ذوق لطیف ۳۶

روان خوانی: میثاق دوستی ۴۲

فصل سوم: ادبیات غنایی

درس ششم: پرورده عشق ۴۶

درس هفتم: باران محبت ۵۲

شعرخوانی: آفتاب حُسن ۵۹

فصل چهارم: ادبیات پایداری

درس هشتم: در امواج سند ۶۳

درس نهم: آغازگری تنها ۷۰

روان خوانی: تا غزل بعد ۷۶

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

درس دهم: رباعی‌های امروز ۸۰

درس یازدهم: یاران عاشق ۸۴

شعرخوانی: صبح بی تو ۸۸

فصل ششم: ادبیات حماسی

درس دوازدهم: کاوه دادخواه ۹۲

درس چهاردهم: حمله حیدری ۱۰۱

شعرخوانی: وطن ۱۰۶

فصل هفتم: ادبیات داستانی

درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار ۱۰۹

درس شانزدهم: قصه عینکم ۱۱۷

روان خوانی: دیدار ۱۲۱

فصل هشتم: ادبیات جهان

درس هفدهم: خاموشی دریا ۱۲۵

درس هجدهم: خوان عدل ۱۲۹

روان خوانی: آذرباد ۱۳۲

نیایش: الهی ۱۳۴

ستایش: لطف خدا

مفاهیم مهم	نمونه بیت
عزت و ذلت انسان به دست خداست	بلند آن سر که او خواهد بلندش
فراگیر بودن بخشش و نیکی‌های خداوند	در نابسته احسان گشاده‌ست
آفرینشگری بی‌عیب و نقص خداوند	به ترتیبی نهاده وضع عالم
سعادت بخشی عنایت خداوند	اگر لطفش قرین حال گردد
عجز و ناتوانی بنده بدون عنایت خدا	وگر توفیق او یک سو نهد پای
ناکارآمدی عقل بدون نور خداوند	خرد را گر نبخشد روشنایی
ناتوانی عقل در درک و شناخت خدا	کمال عقل آن باشد در این راه

۱ واژه‌های مشخص شده را معنی کنید.

- الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
 ب) بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش
 پ) اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ارها اقبال گردد
 ت) وگر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای

۲ آرایه «کنایه» و «جناس» را در بیت زیر بیابید و توضیح دهید.

وگر توفیق او یک سو نهد پای / نه از تدبیر کار آید نه از رای

۳ مصراع اول بیت «به نام چاشنی بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها» به چه معناست؟ و به نظر شما چه چیزی «چاشنی» زبان انسان است؟

۴ کدام بیت‌ها با آیه «تَعَزُّ مِّنْ تَشَاءٍ وَ تَذَلُّ مِّنْ تَشَاءٍ» (هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی) مفهوم یکسانی دارند؟

- الف) به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم
 ب) بلند آن سر که او خواهد بلندش / نژند آن دل که او خواهد نژندش
 پ) تو مرا کشتی و خدای نکشت / مُقْبِلِ آن کز خدای گیرد پشت
 ت) تا عهد دوست خواست فراموش دل شدن / غم می‌رسد به وقت و وفا می‌دهد به دل
 ث) یکی را به سر برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
 ج) بارها جان عزیز خویش را در پای او / پیشکش کردیم و اندر پیش او خوار آمده‌ست

۵ دو بیت زیر، یادآور کدام ابیات است؟ مفهوم مشترک آن‌ها چیست؟

عناصر باد و آب و آتش و خاک	گرفته جای خود در زیر افلاک
ملازم هر یکی در منزل خویش	بنهد پای یک ذره پس و پیش
الف) از کلک صنع ز آنچه رقم شد صواب دان	فکر خطا بود که خیال خطا کنند
ب) اجزای وی است هر چه در گیتی	با کل چه برابری کند اجزا
پ) به ترتیبی نهاده وضع عالم	که نی یک موی باشد بیش و نی کم
ت) به نام کردگار هفت افلاک	که پیدا کرد آدم از کفی خاک

۶ کدام بیت با عبارت «جَلَّ جلالُهُ و عَمَّ نواله» (بزرگ است شکوه او و فراگیر است لطف او)، قرابت مفهومی ندارد؟

۱) در نابسته احسان گشاده‌ست	به هر کس آن چه می‌بایست داده‌ست
۲) ز خوان نوالش زمان در زمان	گدا را همان است و شه را همان
۳) تا دل ز مراعات جهان برکندم	صد نعمت را به متتی نُنسندم
۴) ز بس می‌رسد فیض انعام ازو	برد بهره هم خاص و هم عام ازو

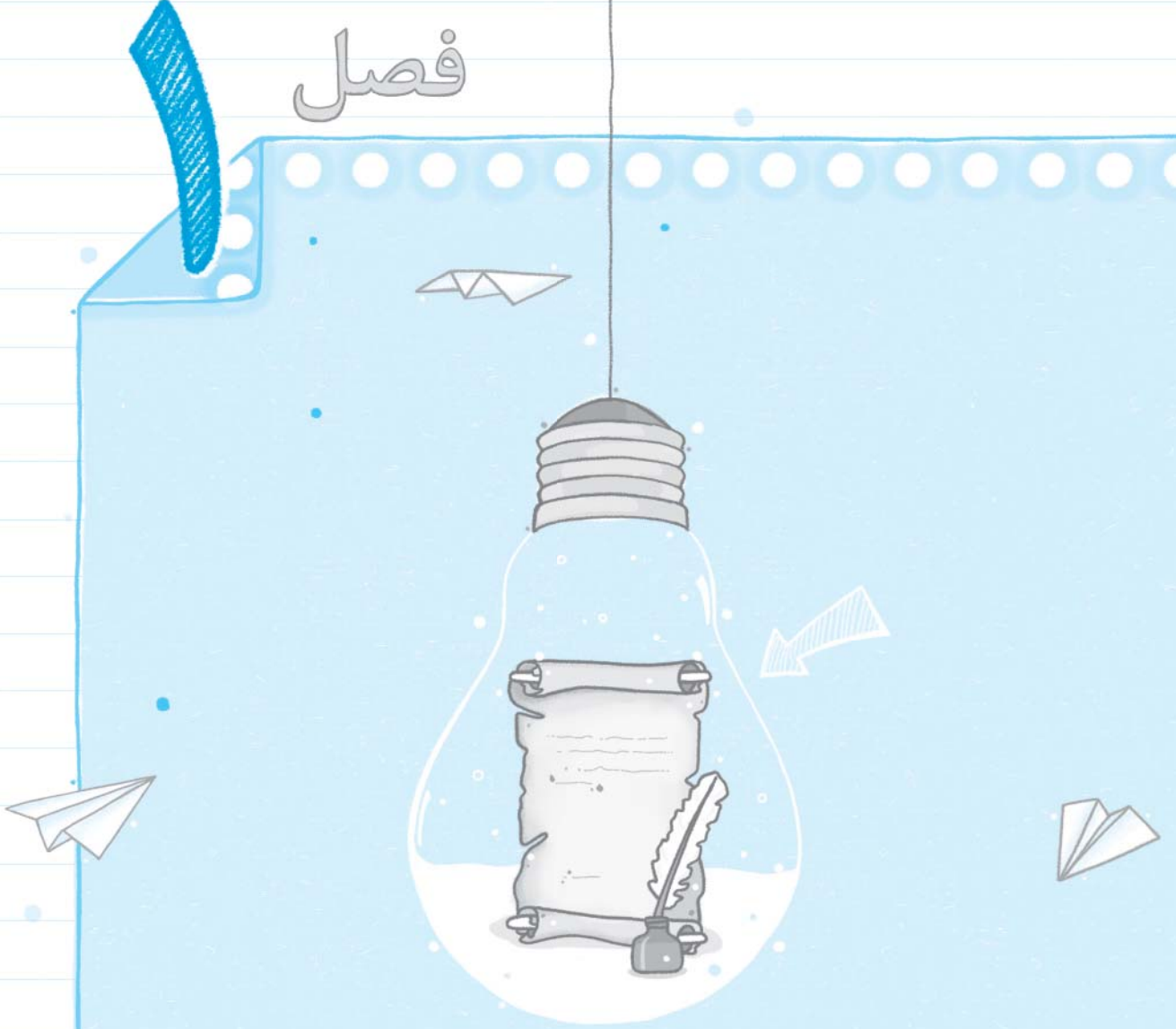
۷ ارتباط بیت‌ها را با بیت زیر تعیین کنید.

کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه

متناسب متقابل نامرتبط

الف) به نور عقل نبردیم ره ز خود بیرون	مگر ستاره دیگر ز آسمان تابد	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
ب) عجب نوری است نور عقل ای جان	شود پیدا ز نورش جمله پنهان	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
پ) خنک آن که در صحبت عاقلان	بیاموزد اخلاق صاحب‌دلان	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

فصل



ادبیات تعلیمی

درس

نیکی

قلمرو زبانی

۱ واژه‌های تعیین شده را معنی کنید.

(الف) فروماند در لطف و صنع خدای

(ب) در این بود درویش شوریده‌رنگ

(پ) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

(ت) که دون‌همتانند بی‌مغز و پوست

۲ از درس یکم برای موارد زیر واژه معادل بنویسید.

چانه:

گریبان، یقه:

مگار، تنبل:

غیرت، جوانمردی، مردانگی:

دربار، قصر شاهان:

نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد:

۳ از بین واژه‌های زیر، واژه مناسب را برای کامل کردن هر بیت انتخاب کنید.

قوت - عار - تفرج - همت

(الف) خوشا نوروژ خاصه در شیراز که برکنند دل مرد مسافر از وطنش

(ب) یار اگر ننشست با ما نیست جای اعتراض پادشاهی کامران بود از گدایی داشت

(پ) مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند

(ت) ضرورت است که پیش تو پنجه نگشایم مرا که بازوی زورمند تو نیست

۴ واژه «قوت» را در بیت زیر حرکت‌گذاری و معنی کنید، سپس مشخص کنید در کدام ابیات کاربرد یکسانی دارد؟

دگر روز باز ائتفاق اوفتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد

(۱) قوت بازوی پرهیز به خوبان مفروش که در این خیل حصاری به سواری گیرند

(۲) از درون‌خانه کنم قوت، چو نحل چون جهان راست زمستان چه کنم؟

(۳) یا رب این آینه حسن چه جوهر دارد که در او آه مرا قوت تأثیر نبود

(۴) قوت جانم مباد جز می عشق توبه زین می محال می‌بینم

— صفت‌های مبهم —

صفات مبهم از وابسته‌های پیشین گروه اسمی هستند که عبارت‌اند از: هر، همه، هیچ، فلان، دیگر، بعضی، برخی، چند و ...

«مثال» «بعضی نفرات» - فلان شخص - هر شعر

از بین این‌ها، صفت مبهم «دیگر» امروزه به عنوان وابستهٔ پسین به کار می‌رود، اما در گذشته، گاه در جایگاه وابستهٔ پیشین نیز بوده است:

«مثال» دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی رسان قوت روزش بداد

وابستهٔ پیشین هسته
(صفت مبهم)

مثال برای کاربرد امروزی صفت مبهم «دیگر» در جایگاه وابستهٔ پسین: دو گل دیگر وارد دروازهٔ حریف شد.

(صفت مبهم)

۵ در کدام جمله، واژهٔ «دیگر» صفت مبهم پیشین است؟

- ۱) جانوران خصوصیات خاصی دارند که آن‌ها را از دیگر موجودات زنده متمایز می‌کند.
- ۲) نظر استادان دیگر را در این مورد جویا شدم.
- ۳) بعد از تو دیگر، خانه صفای گذشته را ندارد.
- ۴) خبری که دانی که دلی بیازارد تو خاموش باش تا دیگری بیارد.

— روابط معنایی واژگان —

ترادف

واژه‌هایی که معنای یکسان دارند، اصطلاحاً « مترادف » هستند و به این نوع رابطه، « ترادف » می‌گویند؛ مانند: لطف، محبت و مهربانی.

تضاد

بین واژه‌هایی که معنا و مفهوم مقابل و متضاد دارند، رابطهٔ « تضاد » برقرار است: شب و روز، مرگ و زندگی، صلح و جنگ.

تضمن

هنگامی که یک واژه، از نظر رابطه و وابستگی، زیرمجموعهٔ واژهٔ دیگر باشد، بین آن دو، رابطهٔ « تضمن » وجود دارد. مثلاً بین « قورمه‌سبزی » و « غذا »

رابطهٔ « تضمن » برقرار است؛ چون قورمه‌سبزی نوعی غذا است. یا: درخت و سرو - پول و اسکناس - پدر و خانواده

تناسب

رابطهٔ بین واژه‌هایی که در یک مجموعه قرار دارند، « تناسب » نام دارد؛ مانند: سیب، انار، پرتقال، نارنگی و ...

۶ نوع رابطهٔ معنایی (ترادف، تضاد، تضمن، تناسب) هر گروه از واژگان زیر را معلوم کنید.

- | | | |
|---------------------|------------------|---------------------|
| (الف) قوت و غذا: | (ب) مهر و کینه: | (پ) گل و نرگس: |
| (ت) مداد و خودکار: | (ث) فضل و کرم: | (ج) نوشیدنی و چای: |
| (چ) ریا و دورویی: | (ح) قوری و کتری: | (خ) پیراهن و شلوار: |
| (د) خیر و صلاح: | (ذ) مغز و پوست: | (ر) شغال و روباه: |
| (ز) پادشاه و درویش: | (ژ) چنگ و تار: | (س) عبادت و نماز: |
| (ش) نماز و روزه: | (ص) کفر و ایمان: | (ض) کفر و شرک: |

۷ در هر یک از جمله‌های زیر، معنای واژه «تند» را با توجه به کدام رابطه معنایی درمی‌یابیم؟

(الف) باد تند و شدیدی می‌وزد.

(ب) گاهی تند و گاهی کند حرکت می‌کرد.

۸ معانی متفاوت واژه «ماه» را از طریق قرارگرفتن در جمله، نشان دهید.

۹ در بیت زیر، معنی واژه «راست» با توجه به کدام رابطه معنایی دریافت می‌شود؟

بر خاک بیفتاد و بغلتید چو ماهی و آن‌گاه پر خویش گشاد از چپ و از راست

۱۰ در مصراع «یکی رویی دید بی‌دست و پای» گروه مفعولی و هسته آن را مشخص کنید.

۱۱ اجزای اصلی جمله‌های هر مصراع را در جدول قرار دهید.

۱) شغال نگون‌بخت را شیر خورد ۲) که روزی نخوردند پیلان به زور

۳) مینداز خود را چو روباه شل ۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است

۵) فروماند در لطف و صنع خدای ۶) که بخشنده روزی فرستد ز غیب

شماره جمله	نهاد	مفعول	متمم	مسند	فعل
۱	شیر	شغال نگون‌بخت	—	—	خورد
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					

۱۲ «جهش ضمیر» و «نقش ضمائر پیوسته» را در بیت‌های زیر توضیح دهید.

(الف) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

(ب) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش

۱ واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، در کدام مفاهیم نمادین به کار رفته‌اند؟

کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

۲ کنایه‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

۱) زرخدان فروربرد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب

۲) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست

۳) بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

۴) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیات بود در ترازوی خویش

۳ بیت‌هایی را که در آن‌ها آرایه تشبیه دیده می‌شود با ذکر ارکان تشبیه، مشخص کنید.

۱) که چون زندگانی به سر می‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

۳) چو صبرش نماند از ضعفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش

۴) برو شیر دژنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل

۴ کدام گروه از واژگان شعر «نیکی» با یکدیگر جناس ندارند؟

(چنگ و رنگ) - (شیر و سیر) - (بیننده و آفریننده) - (مور و زور) - (جیب و غیب) - (پوست و دوست) - (هوش و گوش) - (شل و دغل) - (بازو

و ترازو) - (بگیر و پیر) - (اوست و پوست) - (سرای و خدای)

۵ در بیت «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت / قطره باران ما گوهر یکدانه شد» کدام واژه در معنای استعاری به کار رفته است؟

۶ آرایه‌های به کار رفته در بیت «صورت بی صورت بی حد غیب / ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب» را شرح دهید.

۷ در سال گذشته خواندید که جابه‌جایی اجزای جمله و به‌هم‌ریختن ترتیب آن در متون ادبی، «شیوهٔ بلاغی» نام دارد. اکنون بیت‌های زیر را بر مبنای شیوهٔ بلاغی بررسی کنید.

(الف) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای
 (ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر
 (پ) بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

قلمرو فکری

مفاهیم مهم شعر «نیکی» و حکایت «همت»

مفاهیم مهم	نمونه بیت
بی‌نتیجه‌بودن توکل به خداوند بدون تلاش و کوشش بنده	زنخدان فروبرد چندی به جیب نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست
نکوهش فریبکاری و تنبلی	برو شیر دژنده باش ای دغل
توصیه به حفظ عزت نفس (مناعت طبع)	چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
برخورداری از ثمرات سعی و تلاش / توصیه به کار کردن و تلاشگری	بخور تا توانی به بازوی خویش
توصیه به دستگیری از افراد ناتوان / نکوهش تظاهر به ناتوانی	بگیر ای جوان دست درویش پیر
توصیه به راحت‌رسانی به دیگران و خدمت به خلق	خدا را بر آن بنده بخشایش است
بخشش و نیکی از صفات خردمندان است	کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست
عاقبت‌به‌خیری در دنیا و آخرت به سبب نیکی در حق مردم	کسی نیک بیند به هر دو سرای
مشخص‌شدن عیار دوستی‌ها هنگام مشکلات	معیار دوستان دغل روز حاجت است
تجلی خداوند در دل پاک باصفا	صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب
توصیه به داشتن مناعت طبع و سرزنش خواهشگری و فرومایگی	فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد
برآورده‌شدن حاجت / به وصال رسیدن	گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
ستایش ارادهٔ قوی و غیرتمندی	مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.

۱ کدام عبارت، برای معنی مصراع اول بیت زیر مناسب‌تر است؟

یقین مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

(۱) یقیناً او مرد را دیده و تماشا کرده بود.

(۲) یقینی که در مرد حاصل شد، چشمان او را بینا کرد.

(۳) مرد به یقین رسید که جز نگاه‌کردن کاری از او بر نمی‌آید.

۲ مفهوم مصراع دوم بیت زیر بیانگر کدام طرز تفکر است؟

- کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور
- (۱) روزی برای زورمندان مهتیا است.
 (۲) عاقبت ستمگری محروم شدن از روزی است.
 (۳) روزی رسان خداست و تلاش بنده بی ثمر.

۳ مصراع اول بیت «زنخدان فرورد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب» به چه معناست؟

۴ کدام مفهوم را برای مصراع دوم بیت زیر مناسب تر می دانید؟

- بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیات بود در ترازوی خویش
- (۱) نتیجه کوشش تو عاید خودت خواهد شد.
 (۲) از ثمرات سعی تو دیگران بهره می برند.
 (۳) تو از داشته‌هایت بی خبر هستی و تلاشت بی فایده است.

۵ با توجه به بیت زیر، بخشایش خداوند شامل حال چه کسی می شود؟

- خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

۶ آیه «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست) با کدام بیت شعر «نیکی» ارتباط مفهومی دارد؟

۷ شعرهای ستون سمت چپ را به بیتی مرتبط در ستون سمت راست وصل کنید.

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| (الف) رزق هر چند بی گمان برسد | ۱) بخور تا توانی به بازوی خویش |
| شرط عقل است جستن از درها | که سعیات بود در ترازوی خویش |
| (ب) سحر دیدم درخت ارغوانی | ۲) کسی نیک بیند به هر دو سرای |
| کشیده سر به بام خسته جانی | که نیکی رساند به خلق خدای |
| به گوش ارغوان آهسته گفتم | ۳) برو شیر دژنده باش ای دغل |
| بهارت خوش که فکر دیگرانی | مینداز خود را چو روباه شل |
| (پ) چه در کار و چه در کارآزمودن | |
| نباید جز به خود محتاج بودن | |

۸ مضمون شعر زیر از پروین اعتصامی را با شعر «نیکی» از سعدی مقایسه کنید.

با کودکان خویش چنین گفت ماکیان / کای کودکان خُرد، گه کارکردن است (ماکیان: مرغ خانگی)
 روزی طلب کنید، که هر مرغ خُرد را / اول وظیفه، رسم و ره دانه‌چیدن است
 بی‌رنج نوک و پا، نتوان چینه جست و خورد / گر آب و دانه‌ای‌ست، به خونابه‌خوردن است
 درمانده نیستید شما را به قدر خویش / هم نیروی نشستن و هم راه‌رفتن است

۹ کدام بیت‌ها با بیت «خدا را بر آن بنده بخشایش است / که خلق از وجودش در آسایش است» قرابت مفهومی دارند؟

الف) گر از پا درآید نماند اسیر / که افتادگان را بود دستگیر
 ب) چو خشم آیدت بر گناه کسی / تأمل کنش در عقوبت بسی
 پ) درون پراکندگان جمع دار / که جمعیتت باشد از روزگار
 ت) خورش ده به گنجشک و کبک و حمام / که یک روزت افتد همایی به دام (حمام = کبوتر)
 ث) اگر جاده‌ای بایدت مستقیم / ره پارسایان امید است و بیم
 ج) حدیث درست آخر از مصطفاست / که بخشایش و خیر دفع بلاست
 چ) مکن صبر بر عامل ظلم‌دوست / چه از فربهی بایدهش کند پوست
 ح) بسی پای دار، ای درخت هنر / که هم میوه‌داری و هم سایه‌ور
 خ) ره این است، روی از طریقت متاب / بنه گام و کامی که داری بیاب
 د) کسی زین میان گوی دولت ربود / که در بند آسایش خلق بود

۱۰ بیت «کرم خوانده‌ام سیرت سروران / غلط گفتم اخلاق پیغمبران» یادآور کدام بیت از متن درس است؟

۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای
 ۲) بگیر ای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 ۳) کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دونه‌متانند بی‌مغز و پوست

۱۱ بیت «قانع به یک استخوان چو کرکس بودن / به ز آن که طفیل (مهمان ناخوانده) خوان ناکس بودن» با کدام بیت ارتباط مفهومی بیشتری

دارد؟ مفهوم مشترکشان چیست؟

۱) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیات بود در ترازوی خویش
 ۲) زنخدان فروبرد چندی به جیب / که بخشنده روزی فرستد ز غیب
 ۳) دگر روز باز آتفاق اوفتاد / که روزی‌رسان قوت روزش بداد

مفهوم مشترک:

۱۲ بر مبنای مفهوم مشترک، جدول را کامل کنید.

- (۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای
 (۲) معیار دوستان دغل روز حاجت است
 (۳) صورت بی صورت بی حدّ غیب
 (۴) فخری که از وسیلت دونهمتی رسد
- که نیکی رساند به خلق خدای
 قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
 ز آینه دل تافت بر موسی ز جیب
 گر نام و ننگ داری، از آن فخر عار دار

مفهوم مشترک	شماره بیت مرتبط	بیت
		(الف) آن صفای آینه وصف دل است صورت بی منتها را قابل است
		(ب) دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی
		(پ) آبروی خود به خاک تیره یکسان کرده اند هر چه جز همت، گدایی از در دل ها کنند
		(ت) توانگرا چو دل و دست کامرانت هست بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی